

پایتخت‌های ایران پیشرو در پیشرفت تمدن اسلامی - ایرانی

رسول حیدری سورشجانی^۱

چکیده

پایتخت‌ها در طول تاریخ مرکز انباشت سرمایه بوده‌اند که نقش قلب اقتصادی کل سرزمین را ایفا می‌نمودند. انتخاب یک شهر به عنوان پایتخت، تغییر و تحولات بنیادی در کل شهر ایجاد می‌کرده که اثرات این تغییر و تحول حتی قرن‌ها بعد نمود داشته است. جابجایی پایتخت‌ها پراکنش در اثرات تمرکز و انباشت سرمایه در نواحی مختلف ایران به وجود آورده است که می‌توان از نوعی عدالت جغرافیایی یاد نمود. بدون شک این عدالت جغرافیایی که تغییر مداوم پایتخت‌ها را طی سده‌های طولانی توجیه می‌کند، نقش بسزایی در پیشرفت تمدن اسلامی - ایرانی داشته است. چرا که انتخاب هر مکان به عنوان پایتخت، علاوه بر انباشت سرمایه، تراکم انسان‌ها، ایده‌ها، اندیشه‌ها و نخبگان را نیز به همراه دارد. در این مقاله با روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی پایتخت‌های ایران بر پیشرفت تمدن اسلامی - ایرانی پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که پایتخت‌های ایران یکی از مهم‌ترین عناصر تمدن اسلامی - ایرانی بوده‌اند که نقش بسیار مهمی در پیشرفت تمدن بشری ایفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: پایتخت، انباشت سرمایه، تمدن اسلامی - ایرانی، سرزمین

۱- مقدمه و طرح مسئله

پایتخت مهم‌ترین عنصر در ساختار سیاسی فضا با کارکرد و هویت سیاسی - اداری و نیز کارکرد های اقتصادی، تجاری، فرهنگی. این واحد فضایی - سیاسی صرف نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای آن، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است. در همین راستا، پایتخت دارای اختیارات ویژه ای در ورای اختیارات سایر واحدها و عناصر تقسیمات کشوری است که آن را نسبت به دیگر واحدهای تقسیمات کشوری متمایز می‌سازد (ولی قلی زاده، ۱۳۷۸: ۱). قدرت و نفوذ پایتخت در کل سرزمین بر کسی پوشیده نیست، این قدرت و نفوذ در گذشته بسیار بیشتر از معاصر بوده و پایتخت‌ها مبدأ و مقصد بسیاری از کنش‌ها و تغییرات وسیع در کل واحد سرزمینی بوده است.

^۱. استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان:

انتخاب شهرها به عنوان پایتخت به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی بوده است که نمی‌توان برای آن تنها یک توجیه و علت اصلی بیان کرد. هرگاه شهری پایتخت حکومتی می‌گشت با توجه به ماهیت و تبعیت فلات ایران از مرکز رو به یکپارچگی و میل به تمرکز باعث رشد و توسعه بیش از حد شهر می‌گشت. در طول تاریخ نمونه‌هایی بسیاری از شهرها وجود دارند که قبل از پایتخت بودن، روستایی کوچک بیش نبودند لیکن بعد از انتخاب به عنوان پایتخت قدرتی بسیار شگرف یافته و بر کل کشور و حتی فلات ایران مسلط شدند. اثرات انتخاب پایتخت‌ها موضوع اصلی این مطالعه می‌باشد که سعی بر آن شده است که با مشخص شدن پایتختها در دوره های حکومتی مختلف سرزمین ایران، به ذکر اثرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی پایتخت‌ها بر پیشبرد تمدن اسلامی پرداخته شود.

۱-۱- روش تحقیق

در این مقاله با روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی اثرات پایتخت‌ها بر الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی پرداخته می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

۲-۱- سوالات تحقیق

تعداد پایتخت‌های ایران در طول تاریخ مدون این سرزمین از نظر کمیت چه مقدار بوده‌اند؟
آیا پایتخت‌های ایران بر پیشرفت تمدن اسلامی - ایرانی اثر داشته‌اند؟
پایتخت‌های ایران چه اثری بر تمدن اسلامی - ایرانی داشته‌اند؟

۲- مبانی نظری

۱-۲- پایتخت

پایتخت قبل از هر چیزی مرکز کنترل سرزمین و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مرکز نمادین یک دولت بشمار می‌رود (Taylor, 1989: 147). این مکان در برگیرنده تشکیلات اجرایی مرکزی یک واحد سیاسی و معمولاً شامل دیگر سازمان‌های قضایی، قانونی، آموزشی و فرهنگی است (Weight & other, 1957: 143). محل ملاقات نمایندگان دولت با نمایندگان دیگر دولت هاست. معمولاً سفرها و هیأت‌های دولت‌های دوست در پایتخت استقرار می‌یابند. نمایندگی‌های بانک‌های خارجی و اتاق‌های بازرگانی، تا اندازه‌ای به خاطر تماس مستقیم و آسان با حکومت، دفاتر خود را در شهر پایتخت برپا می‌کنند (Pounds, 1963: 187).

مرکز حکومتی، سیاسی، اداری و اقتصادی کشور. اصطلاحاتی از قبیل نشست، نشستگاه، دارالملک، دارالسلطنه، تختگاه، قاعده، دارالاماره و دارالخلافه در همین معنا به کار رفته‌اند. اما همه این واژه‌ها همواره معنای مشابهی نداشته‌اند، چنانکه در فرهنگنامه‌های اردو پایتخت معادل دارالسلطنه، دارالملک، دارالخلافه، دارالحکومه و دارالاماره معنا شده است و نشستگاه را برابر با دیوانخانه دانسته‌اند (رضوی؛ فیروزالدین؛ دهلوی، ذیل واژه‌های مذکور). همچنین در منابع از دارالاماره معنای پایتخت برنمی‌آید (مثلاً رجوع کنید به اصطخری، ص ۳۳۹) و تعابیر نشست

و نشستگاه در واقع بر پایتخت دلالت داشته اند (مثلاً رجوع کنید به راوندی، ص ۱۳۲؛ ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۵۲). در ایران باستان واژه‌های نشست، نشستگاه، در، و گواک نشست بر معنای پایتخت دلالت داشته اند (فره‌وشی، ص ۱۰۰؛ نیز رجوع کنید به دهخدا، ذیل «نشستگاه»). با وجود این، برخی از محققان نشستگاه را متفاوت از پایتخت دانسته‌اند.

۲-۲- انواع پایتخت

تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای پایتختها وجود دارد؛ از یک نظر پایتختها را در سه گروه اصلی رده بندی می کنند: (۱) پایتختهای دایمی. پایتختهایی که سده های متمادی پایتخت بوده اند، مثل دمشق و بغداد؛ (۲) پایتختهای ابداعی. پایتختهایی که برای ایفای نقش جدید و متفاوت با پایتختهای قدیمی تأسیس شده اند، مثل اسلام آباد؛ (۳) پایتختهای منقسم. در این مورد وظایف پایتخت میان دو شهر تقسیم می گردد، مثل ریاض و جده در عربستان که اولی پایتخت رسمی و سیاسی و دومی مرکز اداری و اقتصادی به شمار می رود (فخری، ۱۳۷۲: ۱۰؛ میرحیدر، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

۲-۳- عوامل مؤثر در انتخاب پایتخت

اهم این عوامل عبارت اند از: (۱) عامل سنت و تاریخ. موارد متعددی از پایتختها وجود دارد که در سده های متمادی نقش مرکزی خود را در عرصه های سیاسی، ملی و اقتصادی حفظ کرده اند و از این رو در ذهن مردم از حق ویژه ای برای پایتختی برخوردارند. از این نوع می توان بغداد و دمشق را مثال زد. این مورد را می توان با عامل اول در تقسیم بندی گلستر یکی انگاشت؛ (۲) عامل گروه ملی مسلط. در برخی کشورها پایتخت در محلی انتخاب می شد که گروه غالب ملی سکونت داشت. شواهد این نوع از پایتختها در قفقاز و آسیای مرکزی وجود دارد. ایروان، تفلیس، تاشکند، عشق آباد از همین نوع هستند؛ (۳) عامل ارتباط خارجی. در دوره استعمار کشورهای استعمارگر مایل بودند پایتخت مستعمرات خود را در بندرهای عمده تأسیس کنند تا راحت تر با سایر کشورهای مادر در ارتباط باشند. به این ترتیب گاه شهرهایی به پایتختی انتخاب می شدند که از حیث تجارت بین الملل موقعیت خوبی داشتند اما به جهت اداری و فرهنگی رتبه دوم را دارا بودند. با استقرار حکومتهای جدید، گاه پایتخت از حاشیه به مرکز انتقال می یافت. در انتخاب آنکارا به جای استانبول و اسلام آباد به جای کراچی این عامل مؤثر بود؛ (۴) عامل دفاعی و استراتژیک. موقعیت جغرافیایی و سیاسی و نظامی منطقه نقش بسزایی در انتخاب محل پایتخت داشت. انتقال پایتخت از کراچی به اسلام آباد برای آن بود که از اسلام آباد نظارت بر مرزهای مورداختلاف هند و پاکستان راحت تر بود؛ (۵) عامل مصالحه سیاسی. گاه در برخی کشورها برای احتراز از بروز اختلاف میان دو یا چند شهر عمده رقیب که شرایط لازم پایتختی را دارا هستند، یک منطقه بیطرف به عنوان پایتخت انتخاب می شود؛ (۶) عامل موقعیت مرکزی. اگر شرایط چند شهر برای پایتختی یکسان باشد، شهری به پایتختی انتخاب می شود که به مرکز جغرافیایی کشور نزدیکتر و فاصله مقرر حکومت با مرزها کمتر باشد (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۱۴۴-۱۴۹).

به هر حال، به طور کلی شرایط متنوعی از قبیل رونق اقتصادی و تجاری، موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی، حیات فرهنگی و دینی، نهادها و سازمانهای اداری و مالی زمینه های تأسیس شهرها و به تبع آن پایتخت را فراهم

می آوردند. شواهد باستان شناسی حاکی از آن است که پادشاهان ایران باستان گاه دو پایتخت داشته اند و اماکنی مانند تخت جمشید در سلسله هخامنشی و تخت سلیمان در سلسله ساسانی پایتخت دینی به شمار می رفته اند (سیف الدین قائم مقامی، ص ۱۱). از این رو برخی محققان بر آن اند که شوش، تخت جمشید، پاسارگاد و اکباتان (همدان) که چهار پایتخت هخامنشی به شمار می روند، بیشتر اقامتگاه فرمانروایان بوده اند تا شهرهای مسکونی (هوف، ص ۶-۷).

پس از ظهور اسلام مهمترین دلایل انتخاب مراکز حکومتی موقعیت جغرافیایی و حضور هرچه بیشتر پیروان و مسلمانان در آن ناحیه بود، چنانکه حضرت علی علیه السلام از آن رو کوفه را به عنوان مقر حکمرانی خود برگزید که شخصیت‌های برجسته و سرشناس و متدین عرب در آنجا حضور داشتند؛ و هواداران و یاران او نیز در این منطقه بیشتر بودند. افزون بر این، کوفه به لحاظ نظامی و منطقه ای نیز مهم بود (طبری، ج ۴، ص ۴۵۹-۴۶۰، ۴۷۷؛ نیز رجوع کنید به د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «کوفه»؛ جعیط، ص ۸۲-۸۴). به هنگام فتح مصر در سال ۱۸ عمر و بن عاص در آغاز قصد داشت اسکندریه را به پایتختی برگزیند، اما به دنبال مخالفت خلیفه دوم، فسطاط به عنوان مرکز حکومتی مصر انتخاب شد، زیرا عمر بر آن بود که نباید دریا میان او و مراکز حکومتی اسلام فاصله ایجاد کند (رزاز، ص ۱۱۱). این موضوع را عمر به معاویه نیز تذکر داده بود (طبری، ج ۴، ص ۲۵۹). معاویه که فتح قسطنطنیه را در سر می پروراند، به این هشدارها وقعی ننهاد و بعدها دمشق را به پایتختی برگزید، زیرا پیروان او در این ناحیه بیش از جاهای دیگر حضور داشتند (خماش، ص ۳۹، ۱۱۱). افزون بر این، دمشق از موقعیت جغرافیایی خوبی برخوردار بود (لاپیدوس، ص ۱۳-۱۴).

در پی فتوحات سده های نخست مسلمانان و تسخیر کشورهای نظیر ایران و مصر، پایتخت‌های پیشین این کشورها نیز سقوط کرد و مراکز حکومتی در نقاط مختلف قلمرو اسلام تأسیس شد که در آغاز «امصار» (جمع مصر) نامیده می شدند (علی، ص ۸۹؛ نیز رجوع کنید به مقدسی، ص ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۷۳، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۴۹. امصار، که نخست به منظور سکونت سپاهیان بنا نهاده شده بود، مراکز اداری ولایاتی مانند جابیه، جوواتیه، مدینه، کوفه، بصره و فسطاط (علی، همانجا) بود. در عین حال دژهایی از قبیل قزوین، اردبیل، ری و مرو نیز — که مراکز اداری بودند — امصار نامیده می شدند (همان، ص ۸۹). به این ترتیب، امصار مراکز فعال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سده های نخست اسلام به شمار می رفتند (همان، ص ۹۰) که برخی از همین امصار بعدها به پایتختی انتخاب شدند. همچنین برخی از شهرهایی که بعدها به پایتختی انتخاب شدند، در آغاز ارگ و دژ نظامی بودند، مانند قاهره و حلب (گرابار، ص ۴۰؛ لاپیدوس، ص ۶۱). به گفته گویتین، در سده های آغازین، کشور اسلامی از طریق پایتخت آن شناخته می شد که محل استقرار و سکونت تعداد زیادی از اعراب بود. عباراتی چون «فسطاط مصر» و «دمشق شام» گویای این موضوع است.

در پی تأسیس خلافت عباسی، پایتخت جهان اسلام از کوفه به انبار، هاشمیه و سپس بغداد انتقال یافت، زیرا این ناحیه به قلمرو هواداران حکومت نزدیک و از موقعیت خوب جغرافیایی برخوردار بود (مثلاً رجوع کنید به مقدسی، ص ۲۱۷؛ قزوینی، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۱). منصور، خلیفه عباسی، بغداد را در آغاز به عنوان مرکزی برای سپاهیان و اجرای امور اداری در نظر داشت. بغداد منطقه ای حاصلخیز و برخوردار از موقعیت خوب ارتباطی با سایر نقاط قلمرو اسلام بود؛ افزون بر این، از پایتخت‌های قدیمی نیز دور نبود و به لحاظ منطقه ای امکانات دفاعی خوبی داشت (علی،

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ص ۹۲). تأسیس خلافت عباسی تنها تغییر پایتخت جهان اسلام را در پی نداشت، بلکه در سایر نقاط تابع خلافت نیز پایتختها تغییر یافتند، چنانکه در ۱۳۳ پایتخت مصر از فسطاط به العسکر انتقال یافت، اما از آنجا که زمان درازی فسطاط پایتخت مصر بود و بتدریج مراکز اداری و مالی در آنجا تأسیس یافته و ریشه دوانده بود، ناگزیر فسطاط به عنوان مرکز امور اداری و اجرای خدمات باقی ماند و العسکر به عنوان پایتخت یا مرکزی سیاسی انتخاب شد (رزاز، ص ۶۷). اما با روی کار آمدن طولونیان، اداره امور سیاسی و در نتیجه کلیه امور حکومتی از العسکر به القطائع انتقال یافت (همان، ص ۷۵). با غلبه فاطمیان، قاهره بنا شد. این شهر در آغاز صرفاً اقامتگاه امیران و سپاهیان و خانواده های آنان بود، اما با تأسیس مراکز تجاری برای عرضه خدمات به این نیروی نظامی، برای پایتختی انتخاب شد (همان، ص ۱۱۸). به این ترتیب، گاه مرکزیت سیاسی و اداری در دو شهر واقع می شد؛ چنانکه کوفه نیز تا پیش از سال ۱۴۹ پایتخت اداری عباسیان به شمار می رفت، زیرا دیوانهای مرکزی در آنجا قرار داشت (جعیط، ص ۳۸۱).

با ظهور سلسله های جدید، پایتختهای قدیمی جای خود را به پایتختهای جدید می دادند و البته انتخاب پایتخت جدید به شرایط منطقه نیز بستگی داشت. مثلاً المهدیه که به دست عبیدالله المهدی تأسیس یافت و از مراکز تجاری مهم منطقه شد، زمان درازی پیش از این دوره یعنی در عهد فینیقیها از مراکز مهم تجاری به شمار می رفت (عربی، ص ۱۰۳، ۱۱۳). همچنین وجود منابع غنی در انتخاب پایتخت نقش داشت، چنانکه مثلاً غرناطه علاوه بر موقعیت خوب جغرافیایی از معادن غنی طلا و نقره و سرب و آهن برخوردار بود، و همین ویژگی سبب شده بود تا این شهر از نظر صنایع و بویژه اسلحه سازی پیشرفت کند (همان، ص ۸۳). همچنین هنگامی که حیات اقتصادی و مناسبات تجاری پایتخت به دلیل رویدادهای سیاسی متزلزل می شد، ناگزیر پایتخت تغییر می یافت. به طور مثال، یورش هلالیون به قلعه، پایتخت بنی حماد که از ویژگیهای سوق الجیشی مهمی برخوردار بود (همان، ص ۲۸)، سبب شد که راههای تجاری این ناحیه قطع شود و به این ترتیب قلعه دیگر قادر به ایفای نقش خود به عنوان پایتخت نبود (همان، ص ۴۴، ۵۵). صنهاجه نیز پایتختهای خود را در جبال داخلی بنا نهادند تا از این طریق روابط تجاری خود را با سودان به تجارت با اروپا و راههای تجاری خود را به سمت کشورهای شرقی و سواحل اروپایی تغییر دهند (همان: ۵۵). پایتختهای مهمی نظیر صناعا و فاس نیز از موقعیت خوب جغرافیایی و راههای تجاری و در نتیجه از نهادهای اداری نیرومند حیات و رونق اقتصادی برخوردار بودند (کوستا، ص ۱۵۱-۱۶۵؛ بورکهارت، ص ۱۶۶-۱۷۶).

بیروت، پایتخت لبنان، نیز از ویژگیهای مهم تجاری برخوردار بوده و هست؛ موقعیت جغرافیایی خاص آن در کنار مدیترانه سبب شده است که این بندر بر سر راههای عمده تجاری آسیا به اروپای جنوبی و غربی و افریقای شمالی قرار گیرد. افزون بر این، بیروت از شهرهای بزرگ خدماتی دنیا به شمار می رود و از مراکز مؤسسات بزرگ بانکی و سیاحتی برخوردار است. به لحاظ فرهنگی نیز، بیروت شهر مهمی است و بزرگترین دانشگاه لبنان در آنجا واقع است (نادری سمیرمی، ص ۵).

انتخاب آنکارا (انقره) به جای استانبول در ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ به این دلیل بود که این شهر از طریق راه آهن به بسفور متصل می شود (ظاهراً مصطفی کمال آتاتورک در متون قانونی کشور از کاربرد لفظ «پایتخت» امتناع داشته و به جای آن تعبیر ترکی «دولت مرکزی» (مرکز دولت) را به کار می برده است رجوع کنید به دائرة المعارف

الاسلامیه، ذیل «انقره»). اوضاع سیاسی عربستان در دهه پنجم سده سیزدهم سبب شد ریاض، شهری نزدیک دریه در منطقه نجد، به عنوان مرکز سیاسی جایگزین جده شود، زیرا در این دوره به تدریج مصر از صحنه رویدادهای سیاسی در شبه جزیره خارج شد. عثمانی افزون بر آنکه تمایلی به دخالت در اوضاع نجد نداشت، دیگر قادر به دخالت در این منطقه نبود و انگلیس نیز درگیر تحکیم موقعیت خود در سواحل خلیج فارس و خلیج عمان و خود عمان بود. در این اوضاع و احوال و در پی دوره ای از بی ثباتی و منازعات میان عثمانیها (در واقع مصریها) و آل سعود که خاندانی از حاکمان نجد بودند، سرانجام عبدالعزیز بن سعود در ۱۳۱۹/۱۹۰۲ بر ریاض غلبه یافت و بتدریج بر دامنه تصرفات خود افزود و پس از تسلط یافتن بر مکه، در ۱۳۴۳/۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴، حکومت سعودی را رسماً تشکیل داد و به این ترتیب ریاض به عنوان مرکزی سیاسی جایگزین جده شد (فاسیلیف، ص ۱۶۱-۱۶۷؛ نیز رجوع کنید به ریاض *)، اگر چه جده موقعیت خود را به عنوان مرکزی اداری حفظ کرد.

در ایران پس از اسلام تا اوایل سده سوم هجری که هنوز حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل در ولایات شکل نیافته بود، پایتخت وجود نداشت و همانگونه که پیشتر اشاره شد ولایات بزرگی از قبیل ری و اصفهان را در واقع باید دارالاماره هایی به شمار آورد که اداره آن را حکام مقتدری که از سوی خلافت تعیین شده بودند، برعهده داشتند. از اوایل سده سوم تا سقوط خلافت عباسی و دست کم تا تأسیس حکومت سلاجقه - که اصطلاح دارالسلطنه شکل گرفت - دوره حکومت‌های متقارن است و در این مقطع تاریخی پایتخت‌های متعددی در نقاط مختلف ایران پدید آمد و حکمرانان معمولاً - و نه همیشه - پایتخت‌های خود را در محلی نزدیک به خاستگاه خود انتخاب می کردند. طاهریان که از موالی خراسان بودند، نیشابور را به عنوان مقر حکمرانی خود انتخاب کردند. تا پیش از طاهریان مرو و بلخ دارالاماره خراسان به شمار می رفت، زیرا به گفته ابن حوقل (قسم ۲، ص ۴۳۶) مرو در آغاز اسلام لشکرگاه مسلمانان بود و از همین ناحیه خراسان به تصرف آنان درآمد (نیز رجوع کنید به مقدسی، همانجا). گاه برخی از سلسله های حکومتی در این دوره مرکز حکومتی خود را در ناحیه ای انتخاب می کردند که بهترین شرایط دفاعی را دارا و تا حد امکان از دسترسی حکومت مرکزی دور بوده. از این میان می توان به علویان طبرستان اشاره کرد که طبرستان را برای مقر حکمرانی برگزیدند، زیرا به دلیل موقعیت جغرافیایی و نظامی از شرایط خوب دفاعی برخوردار بود، (مقدسی، ص ۲۷۱؛ ابن فقیه، ص ۳۰۱-۳۱۴؛ اصطخری، ص ۲۲۴؛ ابن حوقل، قسم ۲، ص ۳۷۵-۳۸۵). سیستان، مقر حکمرانی صفاریان، افزون بر آن که خاستگاه آنان به شمار می رفت از ویژگیهای خوب منطقه ای برخوردار بود چنانکه از غرب به خراسان و برخی ولایات شمالی هند و از شمال به هند راه داشت (ابن حوقل، قسم ۲، ص ۴۱۱-۴۲۵) و افزون بر این ناحیه ای با استحکامات به شمار می رفت (افشار سیستانی، ص ۳۴۸). سامانیان نیز بخارا را از آن رو برگزیدند که به گفته اصطخری (ص ۳۳۶) در ماوراءالنهر بیش از سایر شهرها به خراسان نزدیک بود و موقعیت جغرافیایی بسیار خوبی داشت، زیرا خراسان در پیش روی بخارا بود و ماوراءالنهر در پشت بخارا و این برای امیران سامانی بهترین موقعیت بود (همانجا). ری که در دوران فخرالدوله و مجدالدوله دیلمی پایتخت بود، در دوران آل بویه از بزرگترین مراکز تشیع به شمار می رفت که به احتمال قوی عامل مهمی در انتخاب این ولایت به پایتختی به شمار می آمد (کوثری، ص ۳۷۰-۳۷۸، ۳۸۱). البته نباید موقعیت و شرایط خوب جغرافیایی ری را هم نادیده گرفت (مقدسی، ص ۲۹۹، ۳۰۳). شعبه دیگری از دیالمه بر کرمان و فارس حکمرانی می کرد که احتمالاً به دلیل موقعیت استثنایی سیرجان در این زمان بود که آن را به پایتختی برگزیده بودند، زیرا

این شهر بر سر راه تجارتی خلیج فارس به یزد و اصفهان قرار گرفته و نیز نقطه ارتباط میان اصطخر (شیراز) و کرمان و سیستان بود و اهمیتی اقتصادی برای دیالمه داشت (باستانی پاریزی، ص ۴۴۹).
غزنه، پایتخت غزنویان، از ولایات خراسان و در واقع دروازه خزائن سند به شمار می رفت. حملات مکرر محمود و مسعود غزنوی به هند و کسب غنایم فراوان بخوبی نشان دهنده دلایل انتخاب غزنه به پایتختی است. به گفته ابن حوقل، غزنه در دهانه هند قرار داشت و از حیث ثروت و تجارت بسیار مهم بود (قسم ۲، ص ۴۵۰)
یکی از مختصات ظاهری که برای پایتخت ها در نظر گرفته می شد، جلوه‌ها و ساختارهای دفاعی چه از جنبه طبیعی و چه از منظر سازه‌های انسانی بوده است. عناصر طبیعی به منظور رویارویی با تهاجمات فراگیر نقش عمده‌ای در حفظ و تداوم حکومتها ایفا می کردند (متولی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

۲-۴- اسامی دیگر پایتخت

در منابع سده ششم بارها دارالملک در معنای پایتخت آمده (مثلاً رجوع کنید به ابن بلخی، ص ۲۹۵؛ راوندی، ص ۴۵، ۶۷، ۱۳۲، ۱۸۰؛ ظهیری نیشابوری، ص ۴۴، ۴۸-۴۹، ۵۲)، اما بتدریج با تبدیل شدن «امیران» به «سلاطین» تعبیر دارالسلطنه رواج یافته است (تیمور گورکان، ص ۱۳۸؛ مروی، ج ۲، ص ۴۴۷). با این حال، حتی پس از آن هم کاربرد دارالملک در همین معنا ادامه داشته است (آقسرایبی، ص ۷۱؛ رشیدالدین فضل الله، فهرست، ذیل «دارالملک»؛ تیمور گورکان، ص ۱۱۸؛ مروی، ج ۲، ص ۴۴۶). در همین دوران تختگاه نیز گاه در معنای پایتخت به کار می رفته است (تیمور گورکان، ص ۳۲۲؛ ناصرالدین منشی کرمانی، ص ۲۳).

در منابع سده هشتم به تعبیر «پایه تخت» برمی خوریم (ابن بی بی، ص ۸۷؛ نیز رجوع کنید به تیمور گورکان، ص ۳۲۸) که قاعدتاً باید ترجمه از یک اصطلاح عربی باشد، زیرا معنای مصطلح از آن بر نمی آید. در معنای مصطلح احتمالاً نخستین بار در دوره افشاریه درباره اصفهان، پایتخت صفویان، به کار رفته است (استرآبادی، ص ۱۳). به طور کلی تعبیر پایه سریر یا پایه سریر اعلی و نیز پایه تخت در ابتدا بر شاه دلالت می کرد (برای شواهد رجوع کنید به طهرانی، ص ۴۷؛ حسینی استرآبادی، ص ۸۹، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۴۵)، اما بعدها بتدریج بر مقرر حکمرانی او اطلاق گردید. همچنین از دوره صفویان به بعد کاربرد تعابیری نظیر دارالسلطنه و دارالملک را نمی توان دقیقاً به معنای پایتخت دانست، زیرا این عنوانها همزمان بر چندین شهر مانند اصفهان، تبریز، قزوین، هرات اطلاق می شد (مروی، ج ۳، فهرست، ذیل نام شهرهای مذکور؛ حسینی استرآبادی، ص ۵۵، ۵۸-۵۹، ۶۱-۶۳ و جاهای دیگر؛ نصیری، ص ۴۸؛ قائم مقام، فهرست، ذیل «دارالسلطنه»؛ جهانگیر قائم مقامی، فهرست، ذیل «اصفهان (دارالسلطنه)» و «تبریز (دارالسلطنه)»؛ مفتون دنبلی، ص ۵۵، ۵۷-۵۸، ۶۱؛ اعتمادالسلطنه، ص ۳۱).

از دوره قاجار اصطلاح دارالخلافة درباره پایتخت رواج یافت، اما تعبیر دارالسلطنه هم متداول بود. تفاوت این دو اصطلاح در این بود که دارالخلافة تنها بر پایتخت دلالت داشت در حالی که دارالسلطنه علاوه بر پایتخت بر تبریز و اصفهان نیز اطلاق می شد (قائم مقام، بخش ۱، ص ۳۲، ۳۶، ۵۱، ۷۶، ۱۶۰، تعلیقات قائم مقامی، ص ۲۱۱؛ جهانگیر قائم مقامی، ص ۱۶۶-۱۶۷، ۱۸۹، ۲۳۵).

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲-۵- جابجایی پایتخت‌ها

پایتخت سیاسی ایران از دوره مادها تا کنون بیش از ۳۰ بار جابجا شده است (کمانرودی کجوری، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

۲-۶- پایتخت‌های ایران

با توجه به سلسله‌های حکومتی نزدیک به ۴۰ شهر در دوره‌های زمانی خاصی پایتخت شده‌اند که در جدول شماره ۱، اسامی حکومت‌ها و پایتخت‌هایشان را جمع‌آوری گردیده است.

جدول شماره ۱: پایتخت حکومت‌های ایران در طول تاریخ

سلسله	زمان حکومت	پایتخت
عیلامیان (ایلامیان)		آوان و شوش
مادها	(آغاز قرن هشتم ق.م. - ۵۵۰ ق.م.)	هگمتانه
هخامنشیان	(۵۵۹ ق.م. - ۳۳۰ ق.م.)	تخت جمشید هگمتانه و شوش
سلوکیان	(۳۳۰ ق.م. - ۱۲۹ ق.م.)	سلوکیه و انطاکیه
اشکانیان	(۲۵۶ ق.م. - ۲۲۴ ق.م.)	صدرروازه و تیسفون
ساسانیان	(۲۲۴ ق.م. - ۶۵۲ ق.م.)	تیسفون، بیشاپور، شوشتر، کرمانشاه
طاهریان	(۲۰۵ - ۲۵۹ ه.ق.)	مرو و نیشابور
صفاریان	(۲۶۱ - ۲۸۷ ه.ق.)	زرنج
علویان		آمل
سامانیان	(۲۶۱ - ۳۸۹ ه.ق.)	بخارا
زبیریان	(۳۱۵ - ۴۶۲ ه.ق.)	گرگان
بوییان	(۳۲۰ - ۴۴۰ ه.ق.)	شیراز
غزنویان	(۳۸۸ - ۵۵۵ ه.ق.)	غزنین و لاهور
سلجوقیان	(۴۲۹ - ۵۹۰ ه.ق.)	ری، نیشابور، مرو، صفهان، همدان و بغداد

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تبریز	۵۳۱ تا ۶۲۲ ق	تابکان آذربایجان
شیراز	۵۴۳-۶۸۶ ق	تابکان فارس
یزد	۵۵۰ تا ۸۲۷ ق.	تابکان لر
کرمان	۷۰۳-۶۱۹ ق	قراختیایان
سمرقند و گرگانج	(۴۷۰ - ۶۱۷ ه. ق.)	خوارزمشاهیان
مراغه، سلطانیه و تبریز	(۶۵۴ - ۷۳۶ ه. ق.)	ایلخانان
هرات	۶۴۳ تا ۷۸۳ ق	کرتیان
یزد	۷۳۷-۸۳۲	مظفریان
سبزوار	۱۳۳۲ - ۱۳۸۶ میلادی	سربداران
تبریز	۷۳۸-۷۵۸ ق	چوپانیان
تبریز و بغداد	۷۴۰-۸۳۵	جلایران
سمرقند و هرات	(۷۷۱-۹۰۳ ه. ق.)	تیموریان
تبریز	۷۸۰ - ۸۷۴ ق	قراقویونلوها
تبریز	۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی	آق قویونلوها
تبریز، قزوین و اصفهان	(۹۰۶ - ۱۱۳۵ ه. ق.)	صفویان
مشهد	(۱۱۴۸ - ۱۱۶۱ ه. ق.)	افشاریان
شیراز	(۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ه. ق.)	زندیان
تهران	(۱۲۰۹ - ۱۳۴۵ ه. ق.)	قاجاریان
تهران	۱۳۰۴-۱۳۵۷ شمسی	پهلوی

(منبع: جمع آوری شده توسط نگارنده با استفاده از کتب تاریخی)

۳- بحث

اثرات پایتخت‌ها را به چند دسته کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم نموده و این اثرات شرح داده می‌شود.

۳-۱- اثرات کالبدی

۳-۱-۱- اثرات بر عمران منطقه ای

انتخاب شهرها به عنوان پایتخت به مانند وارد کردن یک آهن ربا در بار میدان مغناطیسی است که همه مولکولها را به سمت خود جهت می دهد، که پایتخت ها همان قطب رشد در نظریه فرانسوا پرو است، بدین مفهوم است که قطب رشد نیز همه جریان های اقتصادی را در راستای قطب رشد قرار می دهد. این قطبی شدن اقتصادی ناگزیر به قطبی شدن جغرافیایی و جریان یافتن منابع و تمرکز فعالیت های اقتصادی در تعداد محدودی از مراکز در درون یک منطقه منجر می شود، به همین جهت در برنامه ریزی منطقه ای از منطقه قطبی یا منطقه کارکردی و یا منطقه گره دار سخن می رود منظور از آن ناحیه ای است که درجه ای از وحدت از نظر کارکرد اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی از خود نشان می دهد. منطقه قطبی شده از واحدهای نامتجانس مثل شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و روستاهایی که از نظر کارکرد اقتصادی با هم در ارتباطند، تشکیل شده است. رابطه کارکردی معمولاً به شکل جریانهای اقتصادی - اجتماعی مثل جریان مواد اولیه، نهاده ها و ستانده ها، سفر به محل کار، سفر به مراکز خرید، حرکت به مرکز اشتغال، سفر برای خدمات اجتماعی و... مشخص می شود. ایجاد یک قطب رشد و یا استقرار یک مرکز رشد در ناحیه ای معین به علت صرفه جوئی هایی که می کند اثری بوجود می آورد که به آن اثر قطبی شدن می گویند. این اثر بدین ترتیب عمل می کند که فعالیت ها، نیروی انسانی و خدمات را به قطب رشد جذب می کند و باعث رشد سریع آن می گردد، حتی وقتی علت وجودی این نوع استقرار نیز از بین می رود، مدتها نیز این مراکز به خاطر وجود صرفه جوئی های اقتصادی باقی می مانند. از قطبی شدن فقط تأثیرات اقتصادی باقی نمی ماند، با توجه به اینکه در پهنه جغرافیایی و ساخت کالبدی منطقه اثر می کند، آثار اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز به همراه دارد (اجلالی، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۹).

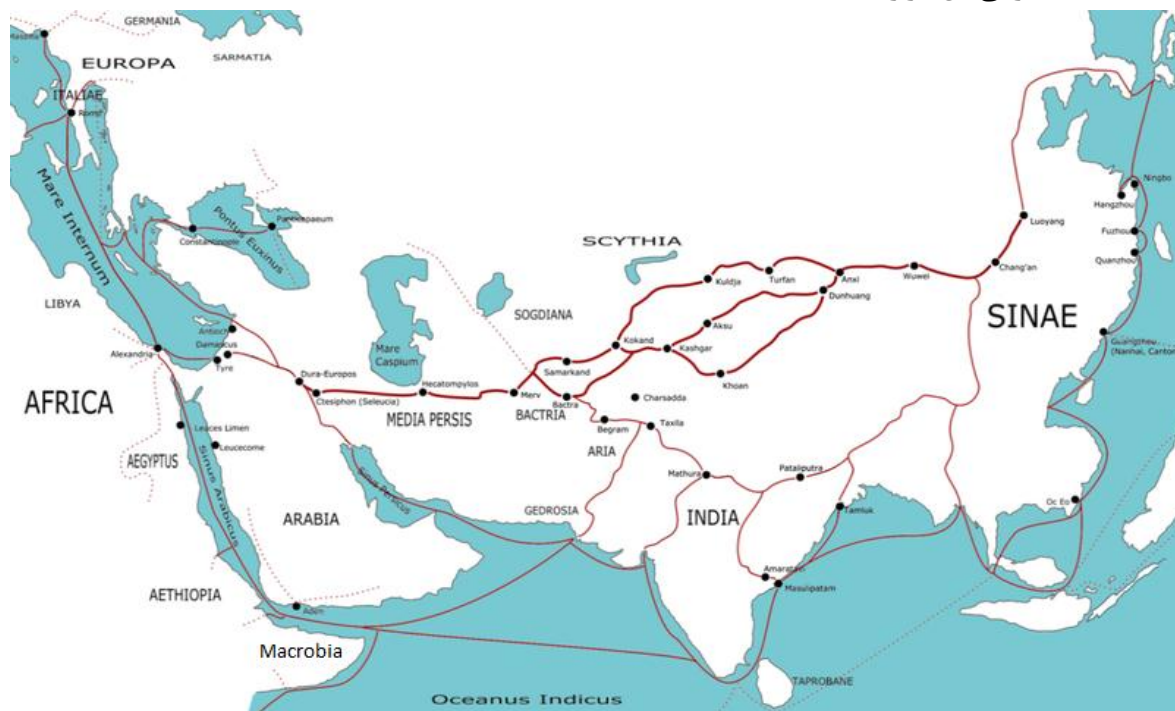
تمام پایتخت های ایران در مناطق مختلف جغرافیایی انتخاب شده اند که با توجه به مفهوم قطب رشد پیشرفت متعادلی در هر ناحیه ایجاد شده و می توان گفت هر منطقه یا ناحیه جغرافیایی ایران در دوره زمانی خاصی بسیار آبادان بوده است، که می توان مفهوم عدالت زمانی و مکانی را ارائه داد.

۳-۱-۲- اثرات بر راه های ارتباطی

انتخاب و تغییر مداوم پایتخت ها اثرات بسیاری بر گسترش راهها داشته است چراکه در هر منطقه که شهری پایتخت می شد راههای ارتباطی به پایتخت به شدت تقویت شده و با کاروانسراها، آب نبارها و پاسگاههای نظامی تجهیز می شده اند. با تغییر پی در پی پایتخت ها در هر منطقه راههای و کاروانسراهای آباد ایجاد می گردید. در دوران هخامنشیان وجود پایتخت های متعدد راه بزرگ شاهی را ایجاد کرد. راه شاهی به فرمان داریوش بزرگ هخامنشی ساخته شد. این شاهراه تخت جمشید را به پاسارگاد، شوش و دیگر شهرهای شاهنشاهی متصل می کرده و بنابر کشفیات جدید احتمالاً از تنگه بلاغی که در فاصله میان تخت جمشید و پاسارگاد قرار دارد، عبور می کرده است. راه شاهی ۲۶۹۹ (کیلومتر) درازا داشت و حدوداً هر ۲۴ کیلومتر دارای یک توقفگاه بود که ۱۱۱ ایستگاه می شد (The Persian Empire elkriver.k12.mn.us «Cyrus the Great Founds an Empire» 18 October 2014)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این تغییر مدام پایتخت‌ها خود به تقویت و پیدایش جاده ابریشم کمک نمود. چرا که با نگاه به نقشه راه ابریشم و پایتخت‌های ایران می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اکثریت پایتخت‌های ایران در مسیر و متصل به جاده ابریشم یا جاده‌های فرعی آن قرار داشته‌اند.



شکل شماره ۱: جاده ابریشم

۳-۲- اثرات اجتماعی - فرهنگی

۳-۲-۱- اثرات یکجانشینی

تقریباً تمام سلسله‌های حکومتی در ایران ریشه‌های عشایر داشته و برخاسته از ایل و طایفه بوده‌اند. با انتخاب پایتخت توسط یک سلسله، یکجانشینی نیز افزایش می‌یافت. این یکجانشین شدن سرآغاز تقسیم کار و در نتیجه آزاد شدن نیروی انسانی از روی زمین و افزایش فراغت را در پی داشت. اگرچه در دراز مدت اثرات منفی چون کاهش دام و محصولات دامی و کاهش نیروی نظامی را در پی داشته لیکن سهم بسزایی در تولید علم و شکوفایی تمدن اسلامی ایفا نموده است.

۳-۲-۲- اثرات جمعیتی

انتخاب شهری به عنوان پایتخت علاوه بر اینکه تمام دستگاه‌های اداری و حکومتی در شهر مستقر می‌گشتند، خود به خود جاذب جمعیت بسیاری از مهاجران اقصی نقاط کشور و حتی جهان می‌شدند. تعداد جمعیت نشان دهنده آرامش فضای مطلوب زیستی برای رونق حیات اقتصادی و اجتماعی بوده (اهلرس، ۱۳۸۰: ۲۰۲) است. این جابجایی جمعیت به سمت پایتخت‌ها خواه بر حسب اجبار، خواه بر حسب انتخاب، اثرات بسیاری بر رشد پایتخت داشت. در طول تاریخ پایتخت‌های کشور ایران، شاهد ورود و خروج گروه‌های مختلف نژادی، مذهبی و قومی بوده‌اند که هر گروهی اثرات کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شگرفی بر روی شهر گذاشته‌اند که می‌توان آنچه از

این گروه‌ها بر روی پایتخت‌های تاریخی ایران باقی مانده است نوعی ترکیبی پیشرفته و غنی بر حسب زمان و مکان اند که تا به این روز به یادگار مانده اند. انتقال و جابجایی جمعیت به سمت پایتخت‌ها تنها بار جمعیتی نداشت بلکه بار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز داشته و نمی‌توان به این گفته بسنده کرد که تنها انسانها جابجا گشته اند بلکه اندیشه‌ها، هنرها، مهارت‌ها، ثروت‌ها و خلاقیت‌ها نیز جابجا گشته اند. این تغییر و جابجایی‌ها اندیشه‌ها و هنرها خود مکاتب فکری، هنری و سیاسی جدیدی ایجاد کرده که به پیشبرد تمدن بشری کمک شایانی داشته است.

۳-۲-۳- اندیشه‌ها و افکار

هر پایتختی خیل عظیمی از انسان‌های آن سرزمین را در خود جای داده است و تمرکز بیش از اندازه انسانها و گروه‌های مختلف را ایجاد کرده است. همواره حاکمان سعی بر آن داشته اند که نخبگان، دانشمندان و حکیمان را از سرتاسر اقلیم حکومتی خود در پایتخت سکنی دهند. این تمرکز نخبگان جامعه در دوره‌های مختلف تاریخی باعث افزایش شکوفایی تمدن ایرانی - اسلامی شد به گونه‌ای بسیاری از پارادایم‌ها در علوم اسلامی - ایرانی به نام پایتخت‌های مزین شده است مانند مکتب اصفهان، مکتب هرات، مکتب تبریز، مکتب شیراز و ...

۳-۲-۴- پدیده‌های هنری

آثار و پدیده‌های هنری در شهرهای ایران بیشتر میراث دوران پایتخت بودن آنهاست. زمانی که امرا و حاکمان با گرد آوردن هنرمندان و استادکاران هنر از اقصی نقاط کشور، این آثار فاخر هنری را خلق کردند. میدان نقش جهان اصفهان و مجموعه آثار کریم خان در شیراز نمونه بارزی از رابطه پایتخت و آثار بدیع هنری است.

۳-۳- اثرات اقتصادی

با تمرکز دستگاه مالیاتی و دولتی در پایتخت‌ها، سیل ثروت‌های مناطق مختلف به پایتخت‌ها شروع می‌گشت که در نتیجه تمرکز اقتصادی شدید ثروت در یک مکان ایجاد می‌شد. بدون شک تمرکز اقتصادی، لازمه فعالیت اجتماعی و کالبدی در پایتخت‌ها بوده است و حتی آثار هنری یک شهر نیز رابطه مستقیمی با وضعیت اقتصادی آن شهر داشته اند و بنابراین بدون تمرکز اقتصاد در پایتخت‌ها، لازمه‌های یک حکومت قدرتمند (مانند نیروی نظامی، آثار فاخر معماری، مدرسه‌ها و مساجد عظیم، دستگاه دیوانی، کتابخانه‌های بزرگ، دارالشفاه و ...) هیچگاه مقدور نمی‌شد.

۴- نتیجه‌گیری

پایتخت‌ها را نمی‌توان جدا از تمدن ایرانی - اسلامی دانست چرا که بسیاری از آثار و میراث علمی، هنری و ادبی در پایتخت‌ها رشد و نمو یافته است. آثار فاخری که امروزه به عنوان سمبل‌های ملی و فرهنگی کشور شناخته می‌شوند، نتیجه انباشت سرمایه و تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در پایتخت‌ها تاریخی کشور تولد یافته اند. در این مقاله به اثرات پایتخت‌ها بر پیشبرد تمدن اسلامی - ایرانی پرداخته شد که نتایج زیر حاصل گشت:

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اثرات جمعیتی پایتخت‌ها در طول تاریخ باعث گردیده که حجم عظیمی از نخبگان، متفکران، اندیشمندان، هنرمندان، استادان و .. در زمینه علوم و فنون مختلف در پایتخت تجمع یافته و به ارتقاء شهر و در نتیجه پیشبرد تمدن اسلامی - ایرانی کمک نمایند.

انتخاب شهری به عنوان پایتخت باعث پیشرفت و بلوغ مسیرهای ارتباطی به شهر شده که خود بنا بر نقش پایتخت‌ها، افزایش راههای ارتباطی و زیرساخت‌های همراه مانند کاروانسراها، پاسگاهها و امنیت را در پی داشته است. افزایش و ارتقاء ارتباطات پایتخت‌ها در فلات ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی که پل بین شرق و غرب آسیا بوده، افزایش و ارتقاء جاده ابریشم را نیز شامل می‌شده است.

تمرکز جمعیت، اقتصاد و تکنولوژی روز در پایتخت‌ها نوعی عمران منطقه‌ای را نیز به همراه داشته که تناوب جابجایی پایتخت‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، نوعی عدالت جغرافیایی دراز مدت مکانی - زمانی را در کل سرزمین ایران مشاهده می‌شود.

منابع و مأخذ

- ابن اسفندیار، (۱۳۲۰)، تاریخ طبرستان، چاپ عباس اقبال، تهران
- ابن بلخی، (۱۳۷۴)، فارسنامه ابن بلخی، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون، چاپ منصور رستگار فسایی، شیراز
- ابن بی بی، (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم، چاپ محمدجواد مشکور، تهران
- ابن حوقل، (۱۹۳۸)، کتاب صورة الارض، چاپ کرامرس، لیدن، چاپ افست بیروت
- ابن فقیه، (۱۹۶۷)، مختصر کتاب البلدان، چاپ دخویه، لیدن
- آریان پور، علیرضا (۱۳۷۴)، «شیراز پایتخت زندیان» ، در پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۳)، المآثر و الآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران
- اهلرس، اکارت، (۱۳۸۰)، ایران، شهر، روستا، عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران: انتشارات منشی.
- آقسرایبی، محمودبن محمد (۱۹۴۴)، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، چاپ عثمان توران، آنکارا.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۲)، «کرمان پایتخت ایالتی»، در پایتخت‌های ایران؛ تیمور گورکان، تزوکات تیموری، تحریر ابوطالب حسینی تربتی به فارسی، آکسفورد، چاپ افست تهران.
- جواهرکلام، عبدالعزیز (بی تا) تاریخ تهران، ج ۱، تهران.
- حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی، چاپ احسان اشراقی، تهران
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۹)، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دهلوی، احمد ، (۱۹۸۶)، فرهنگ آصفیه ، لاهور.

ذکاء، یحیی (۱۳۶۸)، «تبریز»، در شهرهای ایران ، به کوشش محمد یوسف کیانی ، ج ۳، تهران.

راوندی ، محمدبن علی (۱۳۳۳)، کتاب راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق ، چاپ محمد اقبال ، تهران.

روملو، حسن (۱۳۵۷)، احسن التواریخ ، چاپ عبدالحسین نوائی ، ج ۱۲، تهران.

طبری ، محمدبن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری : تاریخ الامم والملوک ، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم ، بیروت.

طهرانی ، ابوبکر (۱۳۵۶)، کتاب دیاربکریه ، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران.

ظهیری نیشابوری ، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، سلجوقنامه ، تهران.

عباس جوکار درسی، علی قائد، دامون زابلی، حمید و اکبر سلطانی .تاریخ معاصر ایران-۲۵۳ . چاپ چهارم. تهران:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۶. صص ۱۰ و ۱۱.

فخری ، محمد (۱۳۷۲)، عربستان ، تهران : مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

فضل الله ، رشیدالدین (۱۳۷۳)، جامع التواریخ ، چاپ محمد روشن و مصطفی موسوی ، تهران.

قائم مقامی ، سیف الدین (۱۳۴۵)، «وجه تسمیة تخت جمشید»، مجله بررسی‌های تاریخی ، سال ۱، ش ۵ و ۶

(اسفند).

کرزن ، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، ایران و قضیة ایران ، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی ، تهران.

کمانرودی کجوری، موسی، ۱۳۹۲، آسیب شناسی ساختار سیاسی و اداره سرزمینی ایران، ابعاد، زمینه ها و الزامات

جابجایی پایتخت سیاسی از تهران، فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره

۳۸.

متولی، عبدالله، ۱۳۸۹، اهمیت و جایگاه انتخاب پایتخت در نظامات فکری - اجرایی کریم خان زند، مجله تاریخ

اران، شماره ۶۵/۵.

محمد اصطخری ، ابراهیم، (۱۳۷۳)، ممالک و مسالک ، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری ، چاپ ایرج افشار،

تهران

محمدنصیر استرآبادی ، محمد مهدی (۱۳۴۱) ، جهانگشای نادری ، چاپ عبدالله انوار، تهران

میرحیدر، درّه (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای سیاسی ، تهران، انتشارات سمت.

میرفتاح ، علی اصغر (۱۳۷۶)، «پایتخت های ایلخانیان : مراغه ، تبریز و سلطانیه»، در پایتخت های ایران ؛ احمد

نادری سمیرمی ، لبنان ، تهران : وزارت امور خارجه ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

نصیری، علی نقی (۱۳۷۲)، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه ، چاپ یوسف رحیم لو، مشهد.

هشام جعیط، (۱۳۷۲) ، کوفه : پیدایش شهر اسلامی ، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم ، مشهد.

ولی قلی زاده، علی (۱۳۸۷)، تبیین عوامل مؤثر در مکانگزینی پایتخت های ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه تربیت مدرس.

اجلالی، پرویز، (۱۳۷۰)، تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاهها، معاونت امور مناطق و مجلس دفتر برنامه

ریزی منطقه ای

Taylor, peter (1989), political geography: world economy, nation – sate, and locality, new york, longman scinfic & technical u k.

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

Wiegert, hans & others, principle of political geography, new York, Appleton century – crofts, inc
Pounds, norman j g (1963), political geography, new York, mcgraw hill book co, inc.
The Persian Empire elkriver.k12.mn.us «Cyrus the Great Founds an Empire» 18 October 2014